

مقایسه تطبیقی - تاریخی جنبش‌های انقلابی و گروه‌های افراط‌گرا در تطورات تاریخ اسلام و مسیحیت

ghasemi.b@ihu.ac.ir

بهزاد قاسمی / استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

پذیرش: ۹۷/۰۳/۲۵

دریافت: ۹۷/۱۱/۰۴

چکیده

مقاله حاضر تلاش می‌کند، سیر نهضت‌های انقلابی - اصلاحی و جنبش مقاومت در تاریخ اسلام و مسیحیت را بررسی کرده و زمینه‌های افراط‌گرایی و تروریسم در دین اسلام و الهیات مسیحی را تبیین کند. نهضت‌های انقلابی و موضوع مقاومت در دو دین، دارای اهمیت هستند؛ همچنین بسترهای افراط‌گرایی و تروریسم در متون دینی اسلام و الهیات مسیحی، از مباحث مهم و درخور توجه بوده است. پژوهش ضمن بررسی نهضت انقلابی در دین اسلام و مسیحیت، کوشش می‌کند، با خوانشی از مبانی افراط‌گرایی و تروریسم در تاریخ اسلام و الهیات مسیحی را نشان دهد. این نوشتار با روش تحلیلی - توصیفی درصدد پاسخ‌دهی به این سؤال اساسی است که ماهیت نهضت‌های انقلابی در تاریخ اسلام و تاریخ مسیحیت چگونه بوده است؟ و افراط‌گرایی و تروریسم در اسلام و الهیات مسیحی چه فرآیندی داشته است؟ نگارنده بر این باور است که این دو، در مبانی دینی و کارکردهای الهیات در این دو موضوع تفاوت مبنایی ندارند؛ یعنی ادیان الهی در فطرت، انقلابی و آزادی‌خواه بوده و ضدتروریسم هستند؛ زیرا در هر دو دین و دال‌های گفتمانی شکل گرفته در تاریخ اسلام و مسیحیت نهضت‌های مقاومت را تجربه کرده‌اند. همچنین اندیشه هر دو دین، با افراط‌گرایی مخالف بوده و تروریسم ناشی از مسائل سیاسی بوده و ریشه دینی و اندیشه‌ای ندارد.

کلیدواژه‌ها: نهضت انقلابی، افراط‌گرایی، دین اسلام، الهیات مسیحی، جنبش.

مقدمه

خاصی در این جهت بیابند و خود را برای مبارزه با عوامل ناکامی این جوامع، بسیج کنند. ناکامی‌های جوامع شرقی، به دلیل وجود نیروهای تمرکزگرا و اقتدارطلب خود این جوامع شرقی و نیروهای بیگانه بوده که با هدف تصرف نظامی و استثمار اقتصادی وارد عمل شده بودند. این دو نیرو در پیوند هم، چه با رضایت چه از طریق سلطه سیاسی و نظامی، به نیرویی به مراتب مخرب‌تر از گذشته بدل شدند تا چنین جوامعی را همچنان عقب نگاه دارند. این نهضت‌ها در معرض مجموعه‌ای از نگرش‌ها و ایدئولوژی‌های ملهم از دین و الهیات رهایی‌بخش آن قرار داشته‌اند.

ابتدا بایستی در معنا و مفهوم نهضت انقلابی «مقاومت» تحقیق و غور و بررسی دقیق انجام شود. بسیاری، افراط‌گرایی یا «تروریسم» را با مقاومت، به عمد یا نادانسته باهم یکی می‌گیرند؛ درحالی‌که این دو، دو موضوع متضاد و در تقابل با یکدیگر هستند. از این منظر لازم است این دو مفهوم و موضوع مهم که امروزه در عرصه سیاسی و دینی «مذهبی» در کنار هم قرار دارند، به عنوان موضوع پژوهش قرار گیرند؛ هرچند هر کدام از موضوعیت خاص خود برخوردار بوده و دارای اهمیت پژوهشی جداگانه‌ای هستند.

مقاومت، یعنی اقداماتی که هدف از انجام آنها تحقق نیازهای فطری بشری است و در تمام ادیان - ابراهیمی و غیرابراهیمی - وجود دارد. که از جمله آن اهداف می‌توان به «حق تعیین سرنوشت، آزادی و استقلال، عدالت و...» اشاره کرد. تروریسم یعنی اقداماتی خشونت‌آمیز و با رعب و وحشت، که از ابتدا در تمامی ادیان و عرصه‌های سیاسی وجود داشته است. به نظر می‌رسد، ترور علاوه بر خشونت و کشتار در اسلام و مسیحیت نیز پذیرفته شده نیست؛ زیرا فطرت انسان، بخصوص در ادیان ابراهیمی، بیشتر رویکرد انقلابی برای نیل به آزادی داشته و مخالف با هرگونه افراط‌گرایی است و همچنان در آموزه‌ها و باورهای اصیل دو دین وجود دارد. به همین منظور، ابتدا مهم‌ترین محورهای نهضت انقلابی در اسلام و الهیات مسیحی تبیین شده و پس از آن به بحث تروریسم و افراطی‌گری پرداخته خواهد شد.

امروزه نهضت‌های رهایی‌بخش و گروه‌های تروریستی در دنیا بدون توجه به دین خاص، چه اسلام و چه مسیحیت، فعالیت می‌کنند و برخی در فعالیت نهضت‌های انقلابی و مقاومت آنها را متهم به تروریست می‌کنند و برخی ماهیت نظری آن را متمایز

امروزه دین - چه اسلام، چه مسیحیت و چه سایر مذاهب - نقش مهمی در زندگی فردی و اجتماعی بشر دارد. در اندیشه متفکران مسلمان و در الهیات مسیحی، گرایش به مقاومت و رویکرد انقلابی، خوب و پسندیده بوده و گرایش به افراط و تروریسم مذموم شناخته شده است. همچنین مردم انقلابی در هر دو دین، گرایش به ضد ظلم و ستم داشته و در برابر هرگونه ظلم و ستم، با برداشت و تلقی از دین، با آن مقابله می‌کنند. به نظر می‌رسد در ادیان، بخصوص ادیان ابراهیمی، نقش انسان در انقلاب و آزادی‌خواهی مورد توجه قرار گرفته است. متفکران مسلمان در تاریخ اسلام و جهان اسلام به موضوع نهضت و قیام در برابر ظلم و ستم پرداخته‌اند و در میان روحانیون مسیحی در کشورهای اروپایی، چه در اروپای شرقی و چه غربی و آمریکا، با تکیه بر آموزه‌هایی از کتاب مقدس، قیام در برابر ظلم و ستم را تبلیغ کرده‌اند. همان‌گونه که در تاریخ اسلام و اندیشه اسلامی رهبران انقلابی در برابر نظام‌های فاسد مقابله کرده و دست به قیام زده‌اند؛ در الهیات مسیحی نیز روحانیون و کشیشان سعی در مقابله با رژیم فاسد و نظام‌های مستبد داشته‌اند. خشونت و تروریسم در مشی انقلابی دو دین مورد تأیید نبوده است و رفتارهای افراط‌گرایانه گروه‌های سیاسی و تروریستی هم از طرف متفکران مسلمان و مسیحی مردود دانسته شده و در میان مردم نیز تأیید نشده است. براین‌اساس موضوعات متنوع و مختلفی در این زمینه برای پژوهش و مطالعه از اهمیت برخوردار است. از جمله آنها می‌توان از موضوع نهضت‌های انقلابی (مقاومت) و افراطی‌گری (تروریسم) نام برد، که با رویکرد تطبیقی - تاریخی به آن پرداخته نشده است.

درباره نهضت انقلابی گفتنی است عوامل مهمی باعث انگیزش نهضت‌های انقلابی شده، یا ممکن است انگیزه‌های خیزش را میان این نهضت‌ها ایجاد کند، که می‌توان به مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی اشاره کرد. در زمینه عوامل داخلی، بحث عمده جامعه‌شناختی و اقتصادی رشد اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی و مسیحی است. در زمینه عوامل خارجی، بحث مهمی که مورد اجماع نیروهای فکری مهم جوامع شرقی و غربی است، پدیده امپریالیسم یا شیوه عمل آن به صورت هجوم استعمارگران به سرزمین‌های شرقی است که به این نهضت‌ها انگیزه‌های مهمی برای مبارزه بخشیده است. به باور مسلط، هجوم غرب به سرزمین‌های شرقی، عاملی مهم در انگیزه‌دهی به نیروهای جوامع شرقی بود، تا انسجام هویتی

همه‌جانبه لازم است. وجود نهضت‌ها بیانگر این حقیقت است که شکست‌ها و ضربات جبران‌ناپذیر همواره از مواضعی بر یک ملت یا نظام سیاسی مردمی وارد آمده است، که نوعی غفلت و بی‌خبری از شرایط و غرور از قدرت و امنیت موجود و عدم آمادگی نسبت به عمل و عکس‌العمل متناسب با مقتضیات زمان در بین نیروهای تأثیرگذار وجود داشته است. قرآن کریم در آیه ۶۰ سوره «انفال» می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ». در این آیه کریمه، از به‌کارگیری واژه کلی «قوه» می‌توان استنباط کرد که آمادگی و تجهیز برای مقاومت لازم است. اسلام تاکنون در اندیشه متفکران مسلمان مرتب بازتولید شده است. در قرن نوزدهم نهضت به رهبری سیدجمال‌الدین اسدآبادی بود، که هدف وی و شاگردانش ایجاد اتحاد اسلام برای مقابله با نفوذ قدرت‌های غربی در جهان اسلام بود.

مقاومت مردمی شامل آگاهی و پابندی به مبانی دینی و مبتنی بر فطرت بشری بوده و مختص گروه خاص و دین خاصی نیست. ایمان به هدف و مقاومت در مسیر، برای هر جهان‌بینی و هر مذهبی جواب می‌دهد؛ چون مقاومت هزینه رسیدن به هدف را پرداخت می‌کند. هزینه مقاومت، ایثار، از خودگذشتگی، شهادت و جهاد است و تنها تفاوت، در مشی مقاومت است.

در مفهوم‌شناسی «تروریسم» گفته شده که تروریسم، فعالیت‌های بازیگران دولتی یا غیردولتی است که تلاش می‌کنند با استفاده از فنون خشونت‌آمیز، به اهداف سیاسی خود دست یابند (پلنو و روا، ۱۹۸۸، ص ۲۰۱). علاوه بر این، تروریسم به معنای بهره‌برداری سیاسی از خشونت به عنوان ابزاری برای تحت فشار قرار دادن یک حکومت و یا جامعه به منظور پذیرش یک تغییر سیاسی یا اجتماعی اساسی است (رابرتسون، ۱۹۹۳، ص ۴۵۸). براساس یک تعریف دیگر، «تروریسم» پدیده‌ای است که در آن فعالیت‌های شدید خشونت‌آمیز همچون قتل عمدی، بمباران، و پرتاب کردن از ساختمان توسط فرد یا گروهی به اجرا درمی‌آید، که ادعا می‌کنند چنین اعمالی را به منظور بهبود وضعیت سیاسی انجام می‌دهند. تروریسم کاربرد ابزار زورگویانه برای هدف قرار دادن مردم غیرنظامی در تلاش برای دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا مانند آن است. گروه‌هایی که برای رسیدن به اهداف سیاسی از ابزارها و شیوه‌های خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند، عمل را «ترور» و گروه را «تروریسم» می‌نامند (آشوری، ۱۳۷۳، ص ۹۹). به‌کارگیری

نکرده‌اند. از این منظر موضوع دارای اهمیت پژوهشی است. هدف مقاله بررسی تاریخی وجه مشترک نهضت مقاومت در دین اسلام و مسیحیت است، تا نشان دهد که تروریسم در مبانی اعتقادی اسلام و مسیحیت مطرود است و هیچ‌یک از اقدامات و فعالیت‌های تندروانه و افراطی، ریشه دینی و اعتقادی ندارند.

روش مورد استفاده در مقاله توصیفی - تحلیلی است، که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نوع تاریخی مطالب، فیش‌برداری شده است؛ نهضت مقاومت و انقلابی در دین اسلام و مسیحیت مقایسه شده و رویکرد دو دین به موضع تروریسم نیز مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. روش مقایسه روشی است که بر چگونه تجزیه و تحلیل کردن تمرکز دارد و نه بر اینکه چه چیزی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، سیاست تطبیقی براساس موضوعی که در آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد، تعریف نمی‌شود، بلکه براساس روشی که پدیده‌های سیاسی را مطالعه می‌کند، مشخص می‌شود (لیجفارت، ۱۹۷۱، ص ۶۸۲). در این مقاله با مطالعه سیر تاریخی جنبش اصلاحی و افراطی در اسلام و مسیحیت با تکیه بر روش تطبیقی و تاریخی بررسی شده است.

۱. چارچوب تئوریک: مفهوم نهضت (انقلابی) و افراط‌گرایی (تروریسم)

نهضت حرکت مردمی و مقاومت در برابر استبداد و استعمار است و نهضت‌های اسلامی سه ویژگی دارند: اول: همه آنها حرکت خود را حرکت اسلامی می‌دانند؛ دوم: همه نهضت‌ها خواهان ایجاد دولت اسلامی «نظام سیاسی» هستند، که قابل انطباق با شریعت دینی است؛ سوم: این نهضت‌ها ساختار جنبشی خود را به گونه‌ای ایجاد کرده و متحول می‌کنند که به اکثر اهداف یا همه آن دست یابند (روا، ۱۹۹۴، ص ۲۰۰). اسلام‌گرایی طیفی از رویدادها، از پیدایش یک ذهنیت اسلامی گرفته تا تلاشی تمام‌عیار برای بازسازی جامعه مطابق با اصول اسلامی را دربر می‌گیرد (بابی، ۱۳۷۹، ص ۲۰). مقاومت در دین اسلام ریشه در کلام الهی دارد؛ در سوره مبارکه «هود» آیه ۱۱۲ «فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» آمده است: پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن؛ و همچنین کسانی که با تو به سوی خدا آمده‌اند، باید استقامت کنند. براین اساس، پیر مقاومت رسول خداست و اوج مقاومت در حرکت سیدالشهدا^ع تجلی یافت. برای مقاومت آمادگی

محاسبه‌شده و منظم خشونت غیرقانونی یا تهدید به استفاده از خشونت غیرقانونی برای القاء ترس و ارعاب برای اجبار دولت‌ها و جوامع برای نیل به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیکی، یک امر معمول در تاریخ بوده است (فتحی، ۱۳۹۴، ص ۴۸؛ براون، ۲۰۰۴، ص ۳۳).

موضوع این مقاله نهضت‌های انقلابی در دین اسلام و مسیحیت است. نهضت‌های رهایی‌بخش و جنبش‌های آزادی‌بخشی که به دنبال رهایی از استبداد و استکبار بوده و در هر دو دین وجود داشته‌اند؛ با این تفاوت که نهضت‌های انقلابی در مسیحیت بیشتر جنبه آزادی‌بخشی داشتند و دنبال رفاه جامعه در دنیا بوده‌اند و درصد تأسیس نظام نبوده‌اند. درحالی‌که در اسلام نهضت‌های انقلابی به دنبال تأسیس نظام سیاسی هستند. افراط‌گرایی و تروریسم در اسلام و مسیحیت متفاوت بوده است؛ هرچند در جامعه اروپایی و اسلامی بستر و ریشه متفاوتی داشته‌اند. در اینجا هر دو براساس این رویکرد مفهومی تبیین شده است.

۲. ماهیت نهضت‌های انقلابی در اسلام و مسیحیت

نهضت‌های انقلابی و جنبش مقاومت در الهیات رهایی‌بخش مسیحیت و ایده‌های اسلام‌گرایانه نهضت‌های انقلابی اسلامی سیر تحولی داشته‌اند. سیر تاریخی رویکرد مقاومت و الهیات رهایی‌بخش از دهه‌های ۱۹۵۰ که دولت‌های آمریکای لاتین برای توسعه این کشورها سیاست جایگزینی واردات را در پیش گرفتند، آغاز شد. این سیاست به نفع طبقه متوسط شهری بود؛ ولی بخش عظیمی از رعایا و دهقانان به حاشیه رانده شدند و فقر و محرومیت افزایش یافت، در نتیجه جنبش‌های مردمی تأسیس و وارد الهیات رهایی‌بخش شدند. در اثر این جنبش‌ها و مقاومت‌ها در ۱۹۸۵، دموکراسی‌های قراردادی در اغلب کشورهای آمریکای لاتین به وجود آمد (مسعودنیا و سالدورگر، ۱۳۹۱، ص ۱۸۱). در مورد اندیشه الهیات رهایی‌بخش مسیحیت، باید گفت این الهیات به صورت عمده در آمریکای مرکزی به کار گرفته شد و ناظر بر تفسیر دینی یک مبارزه علیه نیروهای بیگانه و امپریالیستی از نخستین روزهای ورود استعمار بود. برای نمونه، برخی مفسران انجیل در این باره، ایده‌های خشن‌تری مطرح کردند که مبنای عمل قرار گرفت. برای مثال درحالی‌که گفته می‌شود ایده اصلی و مهم مسیحیت «صلح» است، این عده، مسیحیت را در برابر فقر، ناامنی و بی‌عدالتی اجتماعی، «دین شمشیر» قلمداد کردند. گوستاوو گوتیریز که خود نخستین بار مفهوم

«الهیات آزادی‌بخش» را به کار برد و بر همین تفسیر اصرار دارد (گوتیریز، ۱۹۸۸، بخش ۱). چنین تفسیری عمیقاً متأثر از اندیشه کاتولیک‌ها بود که می‌گفتند دین نمی‌تواند در برابر به خطر افتادن زندگی مردم بی‌اعتنا باشد. بعدها این مسائل با شدت بیشتری تحت تأثیر عمل ایوانجلیست‌ها قرار گرفت که آموزه‌های مسیح را به منظور غلبه بر بی‌دینی، بی‌عدالتی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تفسیر می‌کردند. به باور اینان، مسیحیان باید به طور مستقیم در تفسیر دین و فرهنگ وارد شوند و برداشت سازنده و مؤثری از آن ارائه کنند. این شرایط، فرصتی برای رهبران ایوانجلیست فراهم می‌آورد که تدریجاً تدریجاً برداشت‌ها را به دست دهند. برخی از این تندروهای ایوانجلیست به راحتی اقدام نظامی تجویز می‌کنند. ایوانجلیست‌ها در مناطق مختلفی که فرهنگ مسیحیت پروتستان وجود دارد، نفوذ مهمی دارند و بر حسب شرایط، آموزه‌های نظامی و فرهنگی تجویز می‌کنند. برخلاف مناطق دیگر که ایوانجلیست‌ها خشن و نظامی‌گرا هستند، در آمریکا بیشتر فرهنگی مسلک‌اند و معمولاً با نیروهای لیبرال درگیرند، تا مانع از آزادی‌هایی شوند که به قول خودشان مصداق بی‌بندوباری و ضددینی است (جورج، ۱۹۹۱، ص ۲-۶). الهیات رهایی‌بخش مسیحی که از سده‌های پیشین هم مطرح بود، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم مورد توجه بسیاری از انقلابیون قرار گرفت و با تحولات بعدی شامل رقابت نگرش‌های مذهبی کاتولیک و پروتستان ایوانجلیست در آمریکای مرکزی و لاتین برای پیش‌تاز بودن در مبارزه علیه فقر و دیگر مشکلاتی که به استعمار و استبداد نسبت داده می‌شد، انگیزه‌های بیشتری به دست داد و در مجموع، به نهضت‌های آزادی‌بخش رسمیت بیشتری بخشید. در دهه ۱۹۶۰، کلیسای مسیحیت کاتولیک در آمریکای لاتین دستخوش تحولاتی شد که عمدتاً به اراده طبقات پایین جامعه و خواست آنان برای تغییر شرایط و بهبود اوضاع سیاسی برمی‌گشت. شورای دوم واتیکان در فاصله سال‌های ۱۹۶۲-۱۹۶۵، جوئی از الهیات در مورد آزادی و خلاقیت فراهم آورد که به الهی‌دانان آمریکای لاتین فرصت داد به مشکلات کشورهاشان بیشتر توجه کنند و راه‌هایی برای همگامی با استقلال‌طلبان و مبارزان ضد امپریالیسم بیابند. با این حال، برخی بر این باورند که این آموزه‌ها به سده شانزدهم و درگیری‌های میان کلیسا و پادشاهان برمی‌گردد، که کلیسا برای مبارزه با این شاهان، به بسیج مردمی هم متوسل می‌شد. در هر صورت، لیندن بر آن است که این شورا به چنین آموزه‌هایی

رسمیت خاصی بخشید، اما این آموزه‌ها همواره، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم مورد توجه بوده و بسیاری از روحانیون مسیحی آنها را ترویج می‌کردند (لیندن، ۲۰۰۹، ص ۲۲).

در حقیقت، شرایط بد این جوامع سبب شد مسئولان کلیسا در این مناطق احساس مسئولیت بیشتری کنند و با اراده آزادی‌خواهان و نهضت‌های معطوف به ملی کردن، یا رفع فساد همراه شوند. با این حال، الهیات رهایی‌بخش مسیحیت نیز مانند مارکسیست‌ها بر طبقات فقیر و ضعیف جامعه تأکید داشت. این طبقات ضعیف جامعه هم منبع جذب نیرو برای اقدام سیاسی بودند و هم تمام این الهیات رهایی‌بخش در خدمت آنان بود. الهیات رهایی‌بخش مسیحیت در بسیاری از مناطقی که دولت‌های قوی و مسلطی حاکم بودند، توانایی اعمال نفوذ نداشت. اما در آمریکای مرکزی یک‌باره جوی از مقاومت و مبارزه با الهام از همین الهیات از دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ شکل گرفت که به مشارکت کلیسا در این مبارزات انجامید. در این راه، کلیسا بر مقاومت مسالمت‌آمیز به عنوان راه‌حلی مطلوب و ایده‌آل تأکید داشت و در جاهایی که شرایط ایجاب می‌کرد، مبارزه مسلحانه را نیز توصیه می‌نمود. برخی مانند بونینو (Bonino) و بوف (Boff)، مبارزه مسلحانه را به عنوان آخرین وسیله یا شر ضروری می‌دانند، که این الهی‌دانان توصیه می‌کردند رابطه‌ای جالب توجه میان الهیات رهایی‌بخش مسیحیت و مارکسیسم وجود دارد. این الهی‌دانان از مارکسیسم به عنوان ابزاری برای تحلیل مسائل اجتماعی بهره می‌گرفتند، که کمک مهم و مؤثری بود تا بتوانند وضعیت اجتماعی جامعه را بهتر بررسی کنند. به همین ترتیب، تکنیک‌ها و روش‌های مبارزه مارکسیستی در مناطقی که شرایط دشواری برای عمل وجود داشت، از سوی الهی‌دانان مسیحی پیشنهاد می‌شد. در چنین مبارزاتی عملاً تنها نگرش دینی، نهضت‌های آزادی‌بخش مسیحی را از نهضت‌های کمونیستی جدا می‌کرد. به قول پائولو فرره (Paulo Freire)، در چنین شرایطی، بحث این نیست که باید به چه عقیده داشت، بلکه بحث این است که چه کار باید کرد. به نظر وی، در این‌گونه شرایط، هیچ ابزار بدیلی برای تحلیل اجتماعی و علل ستم در دست نیست، همه‌آ این الهی‌دانان مسیحی، «مارکسیست» هستند (هبلیت، ۱۹۷۷، ص ۱۶۰).

اسلام در قیاس با مسیحیت، به مراتب اعتراضی‌تر بوده است که هم تجربه اعتراضی دوران اولیه اسلامی را دارد و هم دوران معاصر را دربر می‌گیرد. در اینجا منظور، بیشتر دوران معاصر است و از چنین اسلام اعتراضی با عنوان معروف آن، «اسلام‌گرایی»، یاد می‌شود که

به معنای اسلام سیاسی است، و برای اداره جامعه و به دست گرفتن قدرت برنامه دارد. از این مفهوم با عنوان «اصل‌گرایی» به‌عنوان معادلی منطقی‌تر در برابر «بنیادگرایی» که معرف خشونت بیشتر است، یاد شده است. اما «اسلام‌گرایی» اکنون واژه‌ای است که به مراتب از اصل‌گرایی معروف‌تر است و در ضمن بار منفی بنیادگرایی را ندارد (عنایت، ۱۳۷۲، ص ۶۲). نهضت‌های اسلامی مانند همه نهضت‌های آزادی‌بخش و انقلابی، هم معطوف به رفع مشکلات داخلی جامعه و کشور بوده‌اند، و هم مسائل و مشکلات خارجی آن، با این قید که این نهضت‌ها در پی اسلامی کردن فضای سیاسی هستند و آزادی‌بخشی از دست استعمار تنها بخشی از مأموریت آنهاست.

در دوران معاصر، هریک از دو مذهب شیعه و سنی نگرش‌های خاص خود را در راهنمایی نهضت‌های اسلامی ارائه داده‌اند. غالباً به افراط‌گرایی سنی‌ها در حد سلفیه اعتراض شده است؛ اما سنی‌های میانه‌روتر، همچون اخوان المسلمین مصر، هم ایده‌های متعادل‌تری برای تعامل با سایر گروه‌های رقیب داشته‌اند و هم برنامه‌هایی سنجیده‌تر برای کسب قدرت. در جهان تسنن، بازگشت به سلف صالح، مبارزه با مظاهر جاهلیت در دوران اخیر است. سید قطب از مدرنیته به عنوان «جاهلیت مدرن» یاد می‌کرد و وظیفه مسلمانان می‌دانست که در برابر نفوذ آن قیام کنند. بخش مهمی از حرکت و عمل اخوان المسلمین در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ م‌هون راهنمایی‌های فکری سید قطب بود (عنایت، ۱۳۸۵، ص ۸۹).

تاریخچه شکل‌گیری جریان وهابیت به دعوت آنها در دیار نجد به سال ۱۱۵۷ ق. برمی‌گردد. زمانی که محمدبن عبدالوهاب حرکت تبلیغی خویش را در مبارزه با آنچه آن را شرک می‌نامید، آغاز کرد. وی برای توسعه و دعوت خود به درعیه رفت و با دادن دست اتحاد با محمدبن سعود حاکم این شهر، راه را برای پیروزی‌های بعدی دعوت وهابی هموار کرد. حرکت مزبور ابتدا منطقه نجد را تحت پوشش قرار داد و سپس در تمامی منطقه حجاز حکومت کردند. در سال ۱۲۳۵ با قلع و قمع دولت وهابی به دست ابراهیم پاشای عثمانی، و قتل عبدالله بن سعود در اسلامبول، خاندان آل سعود از قدرت ساقط شدند و نزدیک به هشتاد سال در عزلت بودند. مرحله دوم دعوت وهابیان با فعالیت عبدالعزیزبن عبدالرحمان در سال ۱۳۱۹ ق، با همکاری انگلستان آغاز شد؛ زمانی که وی از کویت به نجد آمد و پس از تسلط بر نجد و توسعه قدرت خود، کشور عربستان سعودی را ایجاد کرد و تاکنون فرزندان وی بر این کشور حکومت می‌کنند (فرمانیان، ۱۳۸۸، ص ۱۸).

تا حد زیادی معطوف به «اجتهاد» و سایر مبانی فقهی پویای تشیع است که بر حسب «مقتضیات زمانه»، برنامه سیاسی اسلام را مطرح می‌کند تا راهنمای عمل شیعیان باشد. در مجموع، هم نگرش علمای شیعی و هم حضور جدی‌شان در جریان مبارزات ظلم‌ستیزانه، منبع الهام‌بخشی خوبی برای تشیع فراهم آورده است. نقش الهام‌بخش علامه نائینی در قیام مشروطیت، نقش شیخ فضل‌الله نوری در ارائه و شفاف کردن یک نظریه حکومت اسلامی در دوران اخیر (ولایت فقیه)، نقش آیت‌الله کاشانی و پدر ایشان در کمک به قیام شیعیان جنوب عراق در مبارزه علیه انگلیسی‌ها در سال ۱۹۲۰ و سپس نهضت ملی شدن صنعت نفت، و در نهایت، انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی^۳ نمونه‌های بسیار خوبی از نقش علمای شیعی در چنین موضوعی است.

۳. افراط‌گرایی و تروریسم در اسلام و مسیحیت

در موضوع افراط‌گرایی و تروریسم، گروه‌هایی وجود دارند که با برداشت غلط از تعالیم دینی (اسلام و مسیحیت) و با فتنه‌انگیزی دشمنان اسلام هرازچندگاهی دست به خشونت‌هایی می‌زنند، که از نظر اکثر گروه‌های مسلمان محکوم است. خشونت‌های فرقه‌ای مخصوص مسلمانان نیست و در مسیحیت نیز شاهد چنین خشونت‌هایی هست. افراط‌گرایی یعنی اقدامات خشونت‌آمیز و اقدام به رفتارهای تروریستی. در معنی و مفهوم تروریسم آمده است که، «ترور (Terreur) به معنای قتل سیاسی به وسیله اسلحه در فارسی متداول شده است؛ و تازیان معاصر إهراق را به جای ترور به کار می‌برند و این کلمه در فرانسه به معنای وحشت و خوف آمده است و حکومت ترور هم اصول حکومت انقلابی است که پس از سقوط ژیروندین‌ها (از ۳۱ مه ۱۹۷۳-۱۹۷۴م) در فرانسه مستقر گردید و اعدام‌های سیاسی فراوانی را متضمن بود» (دریان و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۳۲۸). در این لغت‌نامه، در تعریف تروریسم نیز آمده است: «اصل حکومت وحشت و فشار؛ اصول حکومتی که در فرانسه از ۱۷۹۳ تا ۱۷۹۴م مستقر بود. در زبان فارسی، این کلمه به اصلی اطلاق می‌شود که در آن از قتل‌های سیاسی و ترور دفاع گردد» (دهخدا، ۱۳۴۳، ص ۶۳۷).

الف) افراط و تروریسم در تاریخ جهان اسلام

افراط‌گرایی از مباحث قابل پژوهش و بررسی در تاریخ اسلام است. ظهور جریان‌هایی که سمبل‌گرایی‌های افراطی در عرصه فِرَق و

در تشیع - مذهبی که به اعتراض معروف است - مبارزه با ظلم همیشه انگیزه‌ای قوی بوده که بعضاً به الگوگیری از قیام‌های مهم شیعیان مانند واقعه کربلا برمی‌گردد. در یکی دو سده اخیر، ایران همواره شاهد مبارزه و قیام‌هایی بخصوص با همکاری مذهب‌بیون بوده است. انقلاب اسلامی نمونه بی‌بدیل تبدیل شدن یک نهضت اسلامی شیعی به دولت و حکومت است (سمتی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۷). مبارزه با ظلم چه به معنای استبداد داخلی چه به معنای استکبار جهانی، در دستور کار انقلاب اسلامی قرار دارد. امام خمینی^۴ بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، مأموریت انقلاب اسلامی را چنین تشریح می‌کند:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر امور مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند. مردم عزیز ایران که حقاً چهره منور تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصرند، باید سعی کنند که سختی‌ها و فشارها را برای خدا پذیرا گردند تا مسئولان بالای کشور به وظیفه اساسی شان که نشر اسلام در جهان است، برسند» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ص ۲۱۴).

کاربست نهضت مقاومت در جنبش‌ها و نهضت‌های دینی نشان می‌دهد که مقاومت در جایگاه پیروزی یا پس از شکست، موفق عمل کرده است. نمونه مشابه فراوانی در دین اسلام و الهیات مسیحی وجود دارد. برای نمونه قیام کربلا و نهضت امام حسین^۵ با توجه اینکه امام^۶ در صحنه قیام شهید شد، از بزرگ‌ترین نهضت‌های اسلامی به‌شمار می‌آید. این رویکرد و اندیشه در ادیان و مذهب تشیع، جایی برای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد که مذهب شیعه انگیزه‌های قوی برای مبارزات نهضتی و حرکت‌های اسلامی و سیاسی مهم دارد. هم تجربه تلخ شیعه در تأسیس حکومت، و هم مشکلات و مصیبت‌هایی که جهان اسلام در این مدت به آن مبتلا بوده، علمای شیعه را در دوران اخیر به این سمت سوق داده که تعریف‌ها و تفسیرهای تازه‌ای از سیاست در دوران کنونی به دست دهند، تا بتوان حرکت‌های سیاسی و معطوف به کسب قدرت را در چارچوب نگرش‌های دینی انجام داد. این عمل‌گرایی دینی در تشیع،

مردم کاری از پیش نبرد. این سکوت ادامه داشت، تا اینکه اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم با احیای عقاید سلفی توسط ابن تیمیه و ابن قیم الجوزیه مواجه هستیم. *علی الجابری* در اثر خود می‌نویسد: «با سقوط بغداد در عالم تسنن تفکر سلفی احیا شد که نمایندگان عمده آن ابن تیمیه (۷۲۸-۶۶۱ق) و شاگردش *ابن قیم الجوزیه* (۷۵۱-۶۹۱ق) بودند. *ابن تیمیه* از حنبلی‌گری شروع کرد، ولی در حد روش خود موفق به ایجاد نوعی هماهنگی میان معقول و منقول شد و به لحاظ بی‌پروایی که در ابراز داشت، با صوفیه و تشیع و حتی فقیهان سنی در افتاد و از سوی آنان، عنوان «متبدع» و «منحرف» یافت، در حالی که سلفیان لقب «محبی السنه» به او دادند. *ابن تیمیه*، حنبلی‌خالص نیست و اجتهادهای خاص دارد؛ عقل را رد می‌کند و برای معرفت یقینی به «فطرت» رجوع می‌کند. حدیث ضعیف (مراد حدیث «حسن» است نه «متروک») را بر رأی برتری می‌نهد و منکر «مجاز» و «تأویل» است. روش *ابن تیمیه* را *ابن قیم جوزی* تعمیم داد. سیوطی میان نظریات *ابن تیمیه* و *احمد بن حنبل* تطبیق برقرار کرد و در نهایت، *محمد بن عبد الوهاب* (متوفی ۱۲۰۶) حرف‌های *ابن تیمیه* را به عمل درآورد و با به دست آوردن یک مرکز و قدرت اجرایی، توانست مخالفان خود را «خارج از اسلام» قلمداد کند و در معرض قتل و غارت قرار دهد» (جابری، ۱۴۰۹ق، ص ۱۰۹).

وی به‌عنوان پدر معنوی فعالان سنی رادیکال مدرن، که همه متفکران رادیکال معاصر به او استناد می‌جویند، از ایدئولوگ‌های مکتب تکفیر بود که مسئله تکفیر‌گرایی را در آغاز دعوت خویش تئوریزه کرد و بسط داد و به‌عنوان اولین متأله مسلمانان به‌صورت منظم و منسجم به مسئله جهاد پرداخت، و بخش بزرگی از کتاب *السیاسیه و الشرعیه* را به این موضوع اختصاص داد. با مرگ *ابن تیمیه* در قرن دوازدهم برای اولین بار *محمد بن عبد الوهاب* این مفاهیم را وارد جریان فکری خود کرد و آنها را گسترش داد. او با داشتن عقاید بنیادین مبارزه با شرک و مبارزه در راه استقرار توحید و یکتاپرستی، در رساله *کشف الشبهات* خویش، بیش از ۲۴ بار مسلمانان غیروهابی را مشرک و بیش از ۲۵ مرتبه آنان را کافر، مرتد، بت‌پرست و... معرفی کرد (موتقی، ۱۳۷۴، ص ۱۶۱-۱۶۲).

مدتی بعد، این جریان که در مبارزه با کافران نمود پیدا کرده بود، به آلتی در دست متعصبان مذهبی تبدیل شد، و رفته‌رفته بر جنبه‌های فرقه‌گرایی خود افزود و به شکل برجسته‌ای وارد مبارزه عقیدتی درون‌دینی شد که حاصل آن ظهور گروه‌های تکفیری -

اندیشه بوده‌اند. از لحاظ تاریخی پیشینه این جریان‌های تکفیری جهادی در جهان اسلام به دوران خلیفه اول بازمی‌گردد؛ زمانی که در جریان جنگ‌های رده، دستگاه خلافت معارضان خود را کافر و خارج از دین قلمداد کرد. اما ظهور بارز این اندیشه که قالب شناخته‌شده‌تری دارد، مربوط به جریان خوارج در دهه چهل قمری است که از آنها به‌عنوان تکفیری‌های صدر اسلام نام برده می‌شود؛ جریانی که از یک تردید و فهم غیرصحیح در خصوص اقدامات امام علیؓ پدیدار شده و برای اولین بار اهل قبله را تکفیر کرد و با مطرح کردن شعارهای اسلامی، قرآنی از دین ارائه کرد که مورد قبول هیچ کدام از فرق اسلامی نبود (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۳۶۳). جریان خوارج که به‌صورت بارز پس از ماجرای تحکیم در جنگ صفین شکل گرفت، در آغاز یک حرکت کاملاً سیاسی بود. اما برخی از مورخان آن را جریانی اصالتاً دینی ارزیابی کرده‌اند. آنها در ابتدای امر به‌ویژه دوران امام علیؓ عقاید خاصی در برخورد با مسائل کلامی و اعتقادی نداشتند؛ اما در زمان خلافت عبدالملک بود که با این عقاید آمیخته شدند و به تدریج به افکار خود نظم و انسجام دادند (جعفری، ۱۳۶۳، ص ۱۰۶). پدیدار شدن این جریان، حرکتی فی‌البداهه تلقی نشده، بلکه آن را جریانی سازمان‌یافته دانسته‌اند که چندین دهه مترصد چنین فرصتی بوده است (قربان‌پور، ۱۳۹۰، ص ۱). ردپای خوارج را می‌توان به صورت مخالفت‌های پی در پی برخی از افراد همچون ذوالخویصره با پیامبر اکرمؐ در زمان ایشان جست‌وجو کرد (بخاری، بی‌تا، ص ۲۰۰). در زمان سه خلیفه اول نیز چنان‌که از شواهد تاریخی برمی‌آید یک سری دسایس و برنامه‌های سیاسی بستر مناسب را برای رشد و شکل‌گیری جریان خوارج ایجاد کرد.

ابن حنبل پس از این در طلب علم به کوفه، بصره، مکه، مدینه، شام، مغرب، الجزایر، عراق، فارس، خراسان، حجاز و صنعا سفر کرد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۳، ص ۷۱۸). مبحث خارجی‌گری و تکفیر به مدت شش قرن، به دلیل اینکه با اندیشه اسلامی سازگار نبود، از میان رفت؛ تا اینکه در قرن هفتم بار دیگر توسط *ابن تیمیه حرانی* با احیای واژه‌های تکفیر و جهاد، نمود تازه‌ای یافت و تا قرن هشتم در بلاد اسلام رواج فراوان داشت. *ابن حنبل* از شاگردان شافعی بود؛ سپس از وی جدا شد و مذهب جدیدی ابداع کرد (مشکور، ۱۳۶۸، ص ۱۶۹). قرن چهارم تا قرن ششم هجری، دوران فطرت یا سکوت اندیشه‌های سلفی‌گری صلب است. البته در قرن چهارم *ابومحمد حسن بن علی بن خلف بریهاری* برای احیای سلفی‌گری تلاش کرد، اما در برابر شورش

درگیری و جنگ بین گروه‌های رقیب از راهبان، کالسدونی‌ها و غیرکالسدونی‌ها شد، و در سال ۵۱۱م با تحقیر آناتازیوس، پیروزی موقت مقدونیوس دوم و بازگشت نهضت غیرکالسدونی به پایان رسید. در شورای قسطنطنیه در سال ۵۱۸، راهبان سوریه مسئولیت کشتار ۳۵۰ راهب کالسدونی را به عهده گرفتند. اختلافات کلامی، رقابت‌های سیاسی و خشونت‌های فرقه‌ای، دودستگی‌ای را بین کالسدونی‌ها و غیرکالسدونی‌ها تا به امروز ایجاد کرده است.

جانانان بارکر (Jonathan Barker) از جنگ‌های صلیبی، که

توسط اینوسنت سوم علیه پیروان کاتاریسم (Catharism) راهاندازی شد، به تروریسم مسیحی تعبیر می‌کند. این جنگ بیست ساله حدود یک میلیون تلفات به‌جای گذاشت. آموزه‌های کاتار قدرت و ثروت مادی را مخالف اصل محبت می‌دانست و رد می‌کرد. آنها به‌جای کلیسا در خانه‌های شخصی خود بدون آیین‌های کلیسا و صلیب خدا را عبادت می‌کردند. آنها رابطه جنسی را گناه می‌دانستند؛ اما از طرف دیگر آموزه‌های متعارف کلیسا، دعا کردن و خواندن کتاب مقدس را رعایت می‌کردند. به اعتقاد آنها منجی یک موجود آسمانی بود که جسم گرفت برای نجات برگزیدگانی که از دنیای مادی چشم‌پوشی کرده‌اند و با علم و تزکیه خویش را آماده دریافت نجات کرده‌اند.

درباره تروریسم مسیحی در برخی منابع آمده که اقدامات تروریستی، گروه‌ها و افرادی هستند که انگیزه یا اهداف آنها مسیحی واقعی بودن است؛ یا جزء فرقه خاصی از مسیحیان بودند که خشونت‌طلب و متعصب هستند و دیگر فرقه‌ها را تحمل نمی‌کنند. در واقع این نوع از تروریسم، زمینه‌نژادپرستی دارد. تروریسم مسیحی مانند دیگر گروه‌های تروریستی، تفسیر خاصی از عقاید ایمانی خود دارند. در تروریسم مسیحی بیشتر از عهد قدیم برای توجیه خشونت و کشتار استفاده می‌کنند. برای نمونه برخی از کلیساهای جهانی و معتقدان به الهیات نژادپرستی، مدعی هستند که سفیدپوستان اروپای شمالی، از نوادگان قبایل گمشده اسرائیل، قوم برگزیده خداوند هستند. این گروه با گروه‌هایی هم‌پیمان شده است و در بسیاری از حملات تروریستی در جهان مشارکت داشته‌اند.

گفتنی است توطئه باروت که در اوایل مدرنیته رخ داد، در بریتانیا درگیری مذهبی به وجود آمد که ناشی از اصلاحات و معرفی کلیساهای پروتستان بود. توطئه باروت ۱۶۰۵، یک تلاش ناموفقی بود از سوی گروهی از کاتولیک‌های انگلیسی برای ترور شاه جیمز اول و منفجر کردن کاخ وست مینستر، که برخی آغاز تروریسم

جهادی، طالبان، سپاه صحابه، القاعده و... بود. گروه‌هایی که در راه تحمیل اندیشه‌ها و ترویج برداشت‌های خارجی‌گری خود، با حربه‌های مشترک تکفیر و جهاد، دست به قتل‌عام مسلمانان زدند. در ادامه این خط سیر، امروزه در عراق پس از گذشت چندین سال از سقوط صدام حسین، با اقدامات شاخه‌ای از القاعده، موسوم به جریان القاعده عراق مواجهه هستیم، که از آن به «دولت اسلامی شام و عراق» و اختصاراً «داعش» تعبیر می‌شود.

ب) افراط و تروریسم در تاریخ مسیحیت

اندرو استفنسون (Andrew Stephenson) دوران باستان را به‌عنوان «یکی از تاریک‌ترین دوران تاریخ مسیحیت» توصیف کرده است. او مشخصاً این دوران را ترکیبی از: «جاه‌طلبی دنیوی، فلسفه نادرست، خشونت‌های فرقه‌ای و زندگی آشوبگرانه» برشمرده است. قسطنطین که در ابتدا آریان‌ها را مورد آزار و اذیت قرار می‌داد، سرانجام الهیات خود را تغییر داد. در زمان قسطنطین دوم خشونت‌های فرقه‌ای بیشتر و شدیدتر شد. هنگامی که پل، اسقف ارتدوکس قسطنطنیه، به دستور پادشاه تبعید شد، شورش به وقوع پیوست که ۳۰۰۰ کشته به‌جای گذاشت. پل، قبل از اینکه به حکم امپراتور اعدام شود، پنج دفعه از مقام خود عزل شد. راهبان در اسکندریه اولین کسانی بودند که به خشونت و ظلم و ستم مشهور شدند. البته چندی بعد در انطاکیه و قسطنطنیه، اختلافات فرقه‌ای موجب آزار و اذیت در انطاکیه شد. در زمان افسس (Ephesus) اختلاف در شورای اسقفان موجب قتل یکی از اسقفان شد (ر.ک: کرایزس، ۲۰۰۰، ص ۹۹؛ کاسمینسکی، ۱۳۵۳، ص ۳۸-۴۳).

در سال ۴۵۱م پاپ لئوی اول، از آناتولیوس خواست تا یک شورای جهانی تشکیل دهد. این شورا، اسقفان اهل انطاکیه را که در «شورای سارق» افسس در سال ۴۹۹ از مقام خود خلع شده بودند، مجدداً به مقام اسقفی منصوب کرد. شورای کالسدون بسیار تأثیرگذار بود و نقطه عطفی در مباحث مسیحی بود و موجب جدایی کلیسا از امپراتوری شرقی در قرن پنج و شش شد. سوریوس انطاکیه (Severus of Antioch) می‌گوید که یک جنگ مذهبی در میان مردم اسکندریه رخ داد که موجب خونریزی و آتش‌سوزی شد. او برای فرار از این خشونت‌ها، با حمایت دو راهب مخالف کالسدون، به قسطنطنیه فرار کرد. آناتازیوس (Anastasius) که جانشین زنو، به‌عنوان امپراتور در سال ۴۹۱ شد، غیرکالسدونی بود. حضور او باعث

۱۹۶۰-۱۹۷۰ در کشورهای آمریکای لاتین بروز و نمود یافت، و مهم‌ترین مؤلفه آن، آزادی یعنی «رستگاری» است. ترجیح فقرا، یعنی شناخت خداوند از طریق فقر میسر است که در این‌باره آمده: «تهیستان منبع اصلی حقیقت و درک حقیقت مسیحیت و عمل به آن هستند» (مک کراث، ۱۳۸۴، ص ۲۳۰). تقدم عمل بر تئوری از دیگر مؤلفه‌های الهیات رهایی‌بخش است (مسعودنیا و سالدورگر، ۱۳۹۱، ص ۱۸۱). در حقیقت، الهیات مسیحی صرفاً الهام‌بخش ظلم‌ستیزی و بعضاً عدالت‌گستری است، و در این نهضت‌ها مرحله هدف و سیاست وجود ندارد و بسیار کمرنگ است. بر عکس، در جهان اسلام، نهضت‌های اسلامی در پی رفع مشکلات اولیه جوامع اسلامی و سپس اهداف متعالی‌تری مانند تشکیل حکومت اسلامی هستند. بنابراین سیاست این نهضت‌ها، هم‌طیفی از سیاست‌های ملی، به معنای استقلال از استعمارگران یا رهایی از استبداد داخلی تا سیاست‌های اسلامی مبتنی بر همبستگی با جهان اسلام را دربرمی‌گیرد، و هم سیاست‌های جهانی که اتصال به نهضت‌های ضدغربی را شامل می‌شود، تا بقای آنها را تضمین کند و اهدافشان را در برابر نیروهای غربی که عمدتاً مانع تلقی می‌شوند، مؤثرتر کند.

در مجموع، نهضت‌های انقلابی از هر دین، بخصوص مسیحی و اسلامی، از سیاست خاصی برای رسیدن به اهدافشان بهره می‌گیرند. از آنجاکه هدف گاهی ایجاد تحولی انقلابی است، سیاست‌ها هم رادیکال و معطوف به بسیج منابع و گسترش است. در جایی که نهضت‌ها صرفاً در پی حضوری مطمئن‌اند و موقعیتی شکننده و متزلزل دارند، سیاست‌ها هم معطوف به حفظ موجودیت نهضت‌ها و تثبیت آن در جامعه و در عرصه رقابت‌های سیاسی است. علاوه بر این، گاهی یک نهضت، مانند اسلام‌گرایان ایران به قدرت می‌رسد و سیاست‌ها ابتدا حول تثبیت و سپس گسترش آن بر حسب امکانات و منابع در دسترس تعیین و جهت‌گیری می‌شود. در جایی که نهضت‌ها در محیطی محدود عمل می‌کنند یا رقابتی قدرتمندی دارند، به ناچار، سیاست‌ها حول سازش و تعامل تنظیم می‌شود. البته این ادبیات در حوزه کشورهای مسیحی اروپا و آمریکا قابل کاربرد هست.

هدف نهضت‌های اسلامی در مفهوم مقاومت نیز هست. از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری تدریجی مقاومت این بود که نیروهای حاکم در جوامع شرقی توانایی دفاع از کشور را در برابر قدرت‌های امپریالیستی نداشتند، یا در اساس با آنان همدست شده بودند. در چنین وضعی که کشور بی‌دفاع بود، این هسته‌های مقاومت در مجموعه‌های

مدرن را می‌توان به انگلستان و توطئه باروت ۱۶۰۵ برگرداند؛ چراکه بسیاری این حادثه را یک فعالیت مذهبی می‌دانند.

فعالیت‌های مسیحی ارتدوکس در رومانی، به‌عنوان گروه ضد سامی و فاشیستی شناخته شده است. آنها مسئول قتل‌عام بخارست و قتل‌های سیاسی دهه ۱۹۳۰ بودند. پس از جنگ‌های داخلی آمریکا از ۱۸۶۱-۱۸۶۵، اعضای پروتستان شروع به آتش زدن، ضرب و شتم، تخریب اموال، اعدام غیرقانونی، قتل، تجاوز، شلاق و ارباب مردم کردند. آنها آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار، یهودیان، کاتولیک‌ها و دیگر اقلیت اجتماعی یا قومی را هدف قرار دادند. اعضای گروه کو کلاکس کلان (Ku Klux Klan)، یک ایدئولوژی تروریستی صریحی داشتند که عقاید آنها بر پایه یک بنیان مذهبی در مسیحیت بود. هدف این گروه، از ابتدا برپایی ارزش‌های پروتستان در آمریکا - به هر وسیله‌ای که ممکن است - بود. آنها معتقد بودند که حضرت عیسی ﷺ اولین عضو گروه آنهاست. از سال ۱۹۱۵ به بعد، این گروه آتش زدن صلیب را در پیش گرفتند. البته این کار نه‌تنها برای ارباب گروه‌های هدف خود، بلکه برای نشان دادن احترام و تکریم خود به حضرت عیسی ﷺ بود. مراسم روشن کردن صلیب، در نمادهای مسیحی، مانند نماز و سرودهای مسیحی غرق شد. این گروه، کاتولیک‌ها را هدف خشونت‌های خود قرار داد. سازمان‌های مدرن این گروه، مانند: حزب شوالیه ایالات متحده آمریکا، بر برتری پیام مسیحی تأکید دارند، و به دنبال جنگ جهت از بین بردن تمدن مسیحی غربی هستند (خدابنده، ۱۳۹۵، ص ۱).

۴. مقایسه نهضت‌های «انقلابی و مقاومت» در دین اسلام و الهیات مسیحی

روحانیون کاتولیک در کشورهای آمریکای لاتین با تعبیر و تفسیر جدید از بخش‌های تاریخی کتاب مقدس، مانند: خروج بنی‌اسرائیل از مصر و شهادت حضرت عیسی ﷺ، بر این باور بودند که خداوند فقرا را بر ثروتمندان ترجیح داده است. عیسی ﷺ در راه مبارزه با فقر کشته شد و ما باید رهایی خویش از چنگال فرعون زمان «استبداد و استعمار» قیام کنیم. وظیفه یک مؤمن و مسیحی واقعی مبارزه با شرایط موجود و تحقق عدالت اجتماعی است. الهیات نه شناخت خداوند به شکل تئوریک؛ بلکه عملی کردن الهیات از طریق مبارزه با ستم و فقر است (مسعودنیا و سالدورگر، ۱۳۹۱، ص ۱۷۶). الهیات رهایی‌بخش شاخه‌ای از الهیات کاتولیک است، که در دهه

پیچیده‌تری سازمان یافتند و به جریان مقاومت ملی و اسلامی در این جوامع شکل دادند. به‌طور طبیعی، پیشرفت‌هایی از این دست، در کشورهای شتاب چشم‌گیر داشت (فیضی، ۱۳۹۱، ص ۵۲). این اندیشه مقاومت و نهضت در بسیاری از نهضت‌های اسلامی و حتی در جنبش‌های غیراسلامی مسیحیت، یهودیت و ادیان غیرابراهیمی نیز وجود داشته است؛ ولی ماهیت نهضت متفاوت از نهضت و مقاومت اسلام و تشیع بود. این نهضت در سایر نهضت‌های اسلامی نیز تأثیرگذار بوده، و با بسیاری از آنها همگراست و روح مبارزه با دولت‌های فاسد را در میان کشورهای اسلامی زنده ساخته است.

۵. تبیین و ریشه‌یابی افراط‌گرایی و تروریسم در اسلام یا الهیات مسیحی

با بررسی و مطالعه تاریخی در دو دین اسلام و مسیحیت آشکار می‌شود که مبانی تئوریک و نظری مقاومت و رویکرد انقلابی علاوه بر اینکه در فطرت بشری وجود دارد، در ادیان نیز مشترک است. در دین اسلام از همان صدر اسلام رویکرد نهضتی، دیپلماسی نهضتی، انقلاب و اصلاح در قرآن کریم، سیره رسول‌الله بوده است. اما با بررسی و مطالعه افراط‌گرایی و تروریسم مشخص می‌شود که مبدع افراط‌گرایی و تروریسم، بیشتر ریشه در اندیشه انحرافی گروه‌ها یا جریان‌های سیاسی دارد، که امروزه بیشتر قدرت‌های سیاسی برای منافع سیاسی و اقتصادی از آن بهره‌جویی کرده و مبانی اعتقادی و دینی را به عنوان ابزار سیاسی استفاده می‌کنند.

با بررسی ریشه‌های پیدایش تروریسم و اصطلاح افراط‌گرایی مشخص می‌شود که اصطلاح تروریسم در دوره دو انقلاب فرانسه و محکمه آن، که مستند به قوانین استثنایی بود، همچنین به کشتارهایی که در جنوب فرانسه در سال ۱۸۱۵ اتفاق افتاد، پیدا شد. تاریخ غرب و مسیحیت متأثر از این تاریخ و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی غرب - یعنی دوره قرون وسطا که به دوره تفتیش عقاید (مکتب مدرسی و اسکولاستیک) معروف بود - می‌باشد. دین با سخت‌گیری دنبال می‌شد و مردم جوامع مورد مؤاخذه و بازخواست قرار می‌گرفتند؛ درحالی‌که در اسلام، از صدر اسلام و دوره پیامبر، با مهربانی و مؤلفه قلوبهم این موضوع دنبال می‌شد. امروزه نیز غرب و اروپا با عقبه گذشته خود که عصر روشنگری بر آن نام گذاشته است، جریان‌ها و رویکردهای افراط‌گرایی زیادی را داشته است. برای نمونه از سال ۱۹۹۹-۲۰۰۱ تعداد ۱۲۵ کلیسا در تگزاس، ۵۲ کلیسا در فلوریدا و ۳۶

کلیسا در کارولینای جنوبی و ۳۲ کلیسا در می‌سی‌سی‌پی و ۲۴ کلیسا در لویزیانا مورد حملات تروریستی قرار گرفته است (مردای، ۱۳۸۴، ص ۶۸). همین‌گونه اقدامات را آمریکا و رژیم صهیونیستی در مناطقی از جهان اسلام راه‌اندازی کرده‌اند. برای نمونه حملات تروریستی اسرائیل علیه مسلمانان فلسطین، راه‌اندازی جریان‌ها و گروه‌های افراطی در جهان اسلام مانند القاعده در عراق، طالبان در افغانستان، داعش در سوریه و عراق و نمونه‌های بسیاری که از این طریق به دنبال اسلام‌هراسی و پیگیری منافع اقتصادی و سیاسی خود را دنبال می‌کند. پس از سقوط امپراتوری عثمانی و تنزل جایگاه اجتماعی و فرهنگی مسلمانان موجب سرزنش و تحقیر بسیاری از رهبران و گروه‌های اسلامی شد. بخصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی و موفقیت گفتمان شیعی نوعی رقابت برای برخی از گروه‌های اسلامی شد. در بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی باید التهابات و تنش‌های اجتماعی کنونی در جهان اسلام توسط گروه‌های تکفیری، بخصوص داعش را در تحقیر اجتماعی تحلیل کرد (قاسمی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۶).

گفتنی است که انقلاب و نهضت برای رهایی‌بخشی از استبداد و استکبار، آزادی و استقلال، بنا به ذات بشری، در همه ادیان پسندیده بوده و وجود دارد؛ درحالی‌که خشونت و تروریسم در همه ادیان ناپسند بوده و مورد سرزنش قرار گرفته است. تکفیرها و کشتارها و نزاع‌هایی که در غرب جریان داشته است و امروزه نیز وجود دارد، در جهان اسلام و تاریخ اسلام نیز وارد شده است. با مطالعه ادبیات افراط‌گرایی و تروریسم تا حدودی ریشه این گفتمان در غرب بوده و وارد حوزه جهان اسلام شده است و این به معنای میرا و جدا بودن جهان اسلام از تکفیر و تندروی نیست.

نتیجه‌گیری

در بحث مقایسه تاریخی نهضت‌های انقلابی (مقاومت) و افراطی‌گری (تروریسم) در اسلام و مسیحیت می‌توان گفت که در نهضت‌های انقلابی و مقاومت در تاریخ اسلام و مسیحیت رویکرد اصلاحی دارند و درصدد شکل‌دهی به قدرت سیاسی هستند. اما گروه‌های افراطی و تروریسم، بخصوص جریان افراطی داعش در دوره کنونی، با مصادره گفتمان نهضت‌های اصیل انقلابی و با ارائه الگوی خلافت اسلامی درصدد مقابله با نهضت‌های انقلابی بوده و با رعب و وحشت اهداف خود را دنبال می‌کنند. مشابه گروه افراطی داعش نیز در مسیحیت وجود دارد که اقدامات و رفتار کوکلاکس

- استفاده از ظرفیت گسترده و تأثیرگذار فرهنگی - اجتماعی نهضت‌های انقلابی در مقابل جریان‌ات تکفیری، افراطی و تروریسم که از گسترش دامنه این اندیشه جلوگیری شده و حداقل تضعیف شود.

- تقویت فکری و نظری نهضت‌های انقلابی و نبرد فکری و اندیشه‌ای با گروه‌های تکفیری؛ در این موضوع باید اندیشمندان و صاحب‌نظران این حوزه با شناخت و مطالعه دقیق از دین اسلام براساس کتاب‌های قرآن کریم و کتاب مقدس نشان دهند که دین اسلام و مسیحیت مخالف خشونت و کشتار هستند و این رفتار و عملکرد توسط سیاستمداران، حاکمان و گروه‌هایی برای بهره‌کشی اقتصادی، سیاسی خود دنبال می‌شود.

- تأکید و تکرار اندیشمندان دو دین اسلام و مسیحیت بر ماهیت‌شناسی این جریان و جنبش‌ها، تا مشخص شود که افراط و تروریسم ریشه در دین ندارد.

- همواره بر تفاوت اندیشه گروه‌های تکفیری در اسلام، برای نمونه داعش و تکفیر، با نهضت‌های انقلابی تأکید و اندازه‌توانایی و اندیشه و آرمان این نهضت‌ها در عرصه نظر و عمل مطالعه و ارائه شود.

- برگزاری همایش و نشست‌های مشترک از طرف اندیشمندان مسلمان و مسیحی در زمینه تاریخ ادیان الهی، توحیدی و صلح‌طلبی دین.

- برجسته‌سازی تاریخ اصلاحات دینی و رویکرد انقلابی و مقاومت در تاریخ اسلام و تاریخ مسیحیت.

کلان نیز در جهان مسیحیت کنونی در درون پروتستان و با موضوع نژادی و تروریستی اهداف خود را دنبال می‌کنند.

مطالعه تاریخی و مقایسه نهضت‌های انقلابی با گروه‌های افراطی نشان می‌دهد که گروه‌های افراطی مثل القاعده و داعش ریشه در جریان‌های مذهبی گذشته در تاریخ اسلام دارد. روحیه‌ها، روش‌ها و عقاید آن چیز جدید و بی‌سابقه نیست. تنها تفاوت جریان و گروه‌های تکفیری در وضعیت و موقعیت جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی است. آنها برخلاف جریان‌های قبلی، داعیه حکومت‌داری و احیا خلافت‌اند. در حال حاضر نیز در سطح جهان اسلام و گستره قلمروی اسلامی این نوع روحیه‌ها، بیش‌ها و خطمشی‌ها که آکنده از جزمیت و جمود، قشری‌نگری و سطحی‌نگری و جزئی و فرعی‌نگری است، به شدت رایج شده است. این در حالی است که نهضت‌های انقلابی دارای رویکردهای نوینی هستند. افراط و تکفیر در مسیحیت نیز ریشه داشته که کولاکس کلان نمونه کنونی آن است.

در نتیجه گفتنی است که شکل‌گیری و همچنین اتخاذ روش مقابله با این گروه‌ها در دو دین و ادیان الهی وجود دارد. این موضع نشان می‌دهد که ادیان با تکفیر و تروریسم سازگاری نداشته و در اسلام و مسیحیت نیز تمایل به مقابله با گرایش‌ات خشونت‌طلبانه وجود دارد؛ زیرا آنها از دین به عنوان پوشش استفاده می‌کنند و انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی و مقاصد دیگر اقدامات را با موضوع دین دنبال می‌کنند. اینان گروه‌هایی هستند که با برداشت نادرست از دین و مذهب دست به کشتار می‌زنند.

پیشنهادها

نکات زیر می‌تواند به‌عنوان راه‌کارهای پیشنهادی جهت تقویت نهضت‌های انقلابی و تضعیف گروه‌های تکفیری در جهان اسلام و عالم مسیحیت مدنظر قرار گیرد:

- بررسی و تحقیق درباره تاریخ الهیات مسیحی و دسته‌بندی مذاهب در سیر تاریخ اروپا و تحقیق درباره مذاهب اسلامی و ریشه تاریخی انحراف از اسلام و مصادیق تاریخی آن از جمله مرجئه، خوارج و گروه‌های دوره خلفای اسلامی.

- بررسی و شناخت دقیق از اندیشه و عملکرد هریک از نهضت‌های اسلامی - انقلابی و گروه‌های افراطی در اسلام و مسیحیت برای روشن شدن این موضوع که ادیان الهی انقلابی بوده و ضد تکفیر و تروریسم هستند.

کاسمینسکی، ۱۳۵۳، *تاریخ قرون وسطی*، ترجمه صادق انصاری و محمد مؤمن، تهران، اندیشه.

کرایزس، جان ماری، ۲۰۰۰، *موسوعه الدیان فی العالم الکنائس الشرقيه و الکاتولیکیه*، ترجمه جمال ماکور، انترنشنال.

مردای، مجید، ۱۳۸۴، «نفی افراط‌گرایی و تروریسم در اسلام»، *اخبار ادیان*، سال سوم، ش ۵، ص ۶۸۶۷.

مسعودنیا، حسین و الهه سالدورگر، ۱۳۹۱، «بررسی وجوه اشتراک و افتراق الهیات آزادی‌بخش و اسلام سیاسی»، *سیاست جهانی*، دوره اول، ش ۲، ص ۱۷۳-۱۹۵.

مشکور، محمدجواد، ۱۳۶۸، *فرهنگ فرق اسلامی*، مشهد، آستان قدس رضوی.

مک‌گراث آلیستر، ۱۳۸۴، *در سنامه الهیات مسیحی*، ترجمه بهروز حدادی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان.

موتقی، احمد، ۱۳۷۴، *جنبش‌های اسلامی معاصر*، تهران، سمت.

موسوی بجنوردی، محمدکاظم، ۱۳۷۳، *دایرةالمعارف اسلامی*، تهران، مرکز دایرةالمعارف اسلامی.

موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۶۹، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و آثار امام خمینی.

Broum, Randy, 2004, *Psychology of Terrorism*, Tampa, University of south Florida. Printed in the United States of America.

George, M. Marsden, 1991, *Understanding Fundamentalism and Evangelicalism*, Michigan, Wm. B. Eerdmans Publishing CoPP.

Gutierrez, Gustavo, 1988, *A Theology of Liberation: History, Politics, and Salvation*, tr. and ed. by Sister Caridad Inda and John Eagleson, Maryknoll, NY, Orbis Books.

Hebblethwaite, Peter, 1977, *Christian-Marxist Dialogue: Beginnings, Present Status, and Beyond*, New York, Paulist Press.

Lijphart, Arend, 1971, "Comparative politics and the comparative method", *American Political Science Review*, N. 65 (3), P. 682-693.

Linden, Ian, 2009, *Global Catholicism: Diversity and Change since Vatican II*, New York, Columbia University Press.

Plano, Jack C. & Olton Roy, 1988, *The International Relations Dictionary*, USA, Longman.

Robertson, David, 1993, *A Dictionary of Modern Politics*, London, British Library Cataloguing in Publication Data.

Roy, oliver, 1994, *The Failure of political Islam*, London, I. B. Tauris.

.....منابع

آشوری، داریوش، ۱۳۷۳، *دانشنامه سیاسی*، تهران، مروارید.

بابی، سعید، ۱۳۷۹، *هراس بنیادین اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی*، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران، دانشگاه تهران.

بخاری، محمدبن اسماعیل، بی‌تا، *صحیح بخاری*، بیروت، دارالمعرفه.

جعفری، یعقوب، ۱۳۶۳، «پیدایش خواجه»، *نور علم*، ش ۳، ص ۱۰۶-۱۰۷.

جعفریان، رسول، ۱۳۸۷، *تاریخ سیاسی اسلام*، قم، دلیل ما.

خداینده، ابراهیم، ۱۳۹۵، *فرقه‌ها در میان ما*، ترجمه ابراهیم خداینده، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

دریان، جیمز و دیگران، ۱۳۸۲، *تروریسم*، ترجمه وحید بزرگی و دیگران، تهران، نشر نی.

دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۴۳، *لغتنامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.

سمتی، محمدهادی، ۱۳۷۵، «نظریه بسیج منابع و انقلاب اسلامی ایران»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۳۵، ص ۱۲۷-۷۵.

عنایت، حمید، ۱۳۷۲، *اندیشه‌های سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی.

_____، ۱۳۸۵، *سیری در اندیشه سیاسی عرب*، تهران، امیرکبیر.

فتحی، یوسف، ۱۳۹۴، «بررسی ماهیت، زمینه‌ها و اهداف تروریسم مدرن در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال چهارم، ش ۱۶، ص ۴۷-۶۴.

فرمانیان، مهدی، ۱۳۸۸، «گرایش‌های فکری سلفیه در جهان امروز»، *مشکوة*، ش ۱۰۴، ص ۷۷-۱۰۴.

فیضی، سیروس، ۱۳۹۱، «نهضت‌های انقلابی؛ منابع الهام‌بخش، سیاست‌ها و ابزارها»، *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ش ۵۲، ص ۳۵-۶۰.

قاسمی، بهزاد، ۱۳۹۴، «تبیین روانی - اجتماعی عملکرد داعش»، *مطالعات عملیات روانی*، ش ۴۳، ص ۱۶۰-۱۸۵.

قربانپور دشتکی، سیمین، ۱۳۹۰، «بررسی زمینه‌های پیدایش پدیده خروج در صدر اسلام»، *تاریخ اسلام*، ش ۴۰، ص ۱.